

گزارش «وطن امروز» از فاصله ادعاهای آمریکا با واقعیت‌های شبکه پیچیده فروش نفت ایران در دوران محاصره دریایی

افسانه

«فروش نفت صفر»

صفحه ۴

پنجشنبه ۱۲ شهریور ۱۴۰۵ | ۲۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ | ۳ سپتامبر ۲۰۲۴ | سال هجدهم | شماره ۴۶۹۹ | صفحه ۱۰ | هزار تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



۱۳۲۰ سال و ۱۳ روز گذشت |

تساوی داغ

درباره تماشایی استقلال – پرسپولیس
با نتیجه ۱-۱ به پایان رسید

صفحه ۴



VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4699 | THU.SEP.03, 2026 | ISSN:2008-2886

تیتراهای امروز



رئیس‌جمهور روسیه: به ارتش دستور دادم
زیرساخت‌های انرژی اوکراین را هدف قرار دهد

شعله‌های خشم پوتین

■ تشدید تنش میان روسیه و آلمان همزمان
با تشدید جنگ در جبهه اوکراین

صفحه ۲

روایت ناکامی رئیس‌جمهور آمریکا در تحریک مردم
ایران پس از ۶ ماه جنگ علیه ایران

بازگشت ترامپ

به نقطه صفر

■ از «کمک در راه است»
تا «برانی‌ها چه زمانی قیام می‌کنند؟»

صفحه ۲

گزارش «وطن امروز» از سابقه حملات نظامیان
آمریکایی به جشن‌های مردم منطقه

عروسی‌های

خونین

صفحه ۳

روایتی از خطاهای رایج

در تحلیل روابط تهران و پکن در میانه جنگ

پکن در قاب واقعیت

نگاه

ایلیا داوودی

یکی از ضعف‌های مزمن فضای فکری – رسانه‌ای ایران، ناتوانی در شناخت چین به همان صورتی است که واقعاً وجود دارد. چین در بخش مهمی از ادبیات سیاسی ما، یا به عنوان یک ناجی شرقی تصویر می‌شود که باید بدون توجه به منافع خود در همه بحران‌ها به یاری ایران بشتابد یا در نقطه‌مقابل قدرتی فرصت‌طلب معرفی می‌شود که گویا در نخستین بزنگاه ایران را رها کرده‌است. هر ۲ تصویر از یک خطای مشترک‌رنج می‌برند: سنجش چین با معیارهایی که متعلق به سیاست خارجی، فرهنگ سیاسی و الگوی انتلاف‌سازی غرب است. این سوءبرداشت از جریان جنگ ۱۲ روزه و به‌ویژه در تحولات جنگ جاری آمریکا و رژیم صهیونی علیه ایران آشکارتر شده‌است. بخشی از رسانه‌ها و تحلیلگران با استفاده از تعبیری مانند «نفعال چین»، «تنهایی تهران»، «افسانه شراکت راهبردی» و «بی‌عملی پکن»، تلاش کرده‌اند نبود مداخله مستقیم نظامی چین را به معنایی بی‌ارزش بدون کل روابط تهران – پکن بازنمای کنند. در برخی از این روایت‌ها چنین القا می‌شود که چون جنگنده، سامانه پدافندی یا نیروی نظامی چین مستقیماً وارد میدان نشده، پس رابطه راهبردی ایران و چین از اساس پوچ است. این چارچوب در ماه‌های اخیر در شماری از رسانه‌های فارسی‌زبان به طور گسترده تکرار شده و در داخل نیز برخی فعالان رسانه‌ای چون حسین مرعشی با دادن اطلاعات نادرست به آن دامن می‌زنند.

■ **کجای رابطه ایران و چین اشتباه فهمیده شده؟**
اشکال اصلی این تحلیل‌ها آن است که میان شراکت راهبردی و اتحاد نظامی تفاوتی قائل نمی‌شوند. ایران و چین دارای پیمان دفاع مشترک نیستند و سند همکاری بلندمدت ۲ کشور نیز هیچ‌یک از طرفین را موظف نمی‌کند در صورت وقوع جنگ، مستقیماً وارد درگیری نظامی شود. چین حتی در قبال بسیاری از نزدیک‌ترین شرکای خود نیز از پذیرش تعهدات نظامی شبیه ناتو پرهیز می‌کند. سیاست خارجی چین بر حفظ استقلال تصمیم‌گیری، خودداری از ورود مستقیم به جنگ‌های دیگران، توسعه روابط اقتصادی و تغییر تدریجی موازنه قدرت استوار است. بنابراین انتظار اینکه چین مانند آمریکا و در قالب یک

اتلاف نظامی وارد جنگ ایران شود، از ابتدا مبتنی بر شناخت نادرست از رفتار پکن است. البته این سخن به معنای نادیده گرفتن کاستی‌های روابط ۲ کشور نیست.

ادامه در صفحه ۴



۵ شهید و ۶۸ مجروح در حمله ارتش تروریست آمریکا
به مراسم عروسی در کوهستک سیریک در استان هرمزگان

جنایت

کارشان است

در پاسخ به تجاوز جدید آمریکا، ایران «کمپ تیتین»

محل استقرار تفنگداران آمریکایی در اردن را مورد حمله قرار داد

صفحه ۲
عکس فارس

انتخابات ۲۷ اکتبر؛ رقابتی بر سر آینده اسرائیل پس از ۳ سال جنگ

کنست در سایه جنگ

شکست امنیتی ۱۷ اکتبر گرفته تا مناقشه درباره سربازی در باریکه غزه، هدف اعلامی تل‌آویو یعنی حذف حماس و خلع سلاح آن همچنان حل‌نشده باقی مانده است. در لبنان نیز با وجود وارد شدن خسارات سنگین به زیرساخت‌های جنوب، مساله خلع سلاح مقاومت همچنان یک پرونده سیاسی و امنیتی باز است. درباره ایران نیز نه برنامه موشکی کناری نهاده شده، نه تهران از حمایت نیروهای همسو در منطقه صرف نظر کرده و نه پرونده هسته‌ای مطابق خواست رژیم پایان یافته، بلکه چالشی جدید با محوریت اسناد تنگ‌هرمز به بحران‌های پیشین صهیونیست‌ها و متحدان آمریکایی‌شان افزوده شده است. این درست همان نقطه‌ای است که از منظر گفت‌وگو مقاومت، اهمیت راهبردی طوفان‌الاقصی را نشان می‌دهد: تبدیل برتری تاکتیکی رژیم در حوزه نظامی به بحرانی در سطح راهبردی، به‌واقع ارتش صهیونیستی در خلال ۳ سال اخیر عملیات‌های متعددی را در دستور کار قرار داد، مناطق وسیعی را هدف حملات خود گرفت و هزینه‌های سنگینی را به دشمنان خود تحمیل کرد، لکن در دستیابی به محیط منطقه‌ای مطلوب خویش ناکام مانده و بحران‌های پیشین، همچنان به قوت خود پابرجا مانده‌اند.

۲- **جامعه‌ای که جنگ نتوانست شکاف‌هایش را پنهان کند**
۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ تنها یک شکست امنیتی برای صهیونیست‌ها نبود، بلکه ضربی به یکی از بنیادی‌ترین وعده‌های پروژه صهیونیسم وارد کرد: وجود یک پناهگاه امن و پایدار برای یهودیان. ۳ سال جنگ نه‌تنها این پرسش را حل نکرد، بلکه آن را عمیق‌تر هم کرده‌است. جامعه صهیونیست اکنون با مجموعه‌ای از بحران‌های هم‌زمان مواجه است: از اختلاف بر سر مسئولیت

۱- **بر تری نظامی و شکاف میان تخریب و پیروزی**
پس از عملیات طوفان‌الاقصی، ارتش صهیونیستی بزرگ‌ترین بسیج نظامی خود در دهه‌های اخیر را در دستور کار قرار داد. غزه زیر شدیدترین حملات هوایی و زمینی قرار گرفت، لبنان به صحنه عملیات گسترده ارتش رژیم تبدیل شد، حضور نظامی در سوریه توسعه یافت، عملیات در کرانه باختری تشدید شد و در نهایت تقابل با جمهوری اسلامی ایران نیز به رویارویی مستقیم کشیده شد. اگرچه تل‌آویو در

روبه‌رو خواهد بود که چگونه می‌توان میان تأمین هزینه‌های نظامی فزاینده و نیاز به سرمایه‌گذاری در آموزش، زیرساخت و رفاه اجتماعی تعادل ایجاد کرد؟ وضعیت نامناسب که تاکنون به مهاجرت ده‌ها هزار یهودی به اروپا و آمریکای شمالی منجر شده و زمینه غلبه تدریجی گفتمان راست افراطی بر جناح لیبرال و میانه‌رو را رقم زده است.

۴- **فرسایش سرمایه بین‌المللی رژیم**
بی‌تردید بازگشت مساله فلسطین به مرکز توجه جهانی را می‌توان از بزرگ‌ترین پیامدهای سیاست‌های جنگ‌افروزانه نتانیاهو در طول ۳ سال اخیر قلمداد کرد. پیش از ۱۷ اکتبر، رژیم تل‌آویو تلاش داشت مساله فلسطین را به حاشیه نظم منطقه‌ای براند و روند عادی‌سازی روابط با کشورهای عرب را بدون حل این مساله پیش برد. جنگ غزه این روند را متحول و بار دیگر فلسطین را به یکی از مهم‌ترین موضوعات سیاسی جهان تبدیل کرد. سوی دیگر ماجرا به خدشه‌دار شدن شدید وجهه صهیونیست‌ها در سطح افکار عمومی غرب بازمی‌گردد. افزایش انتقادهای حقوق بشری، اعتراضات گسترده و فشارهای سیاسی درباره غزه و شهرک‌سازی‌های نامشروع در کرانه باختری، پیکان‌های متعددی هستند که بر اعتبار بین‌المللی اسرائیل دیگر مانند گذشته نیست.

اگرچه تحول مذکور به معنای پایان حمایت غرب از رژیم نیست اما نشان می‌دهد جنگ برای تل‌آویو تنها هزینه نظامی نداشته و بخشی از سرمایه سیاسی و اخلاقی آن را نیز فرسوده کرده‌است. سر برآوردن افرادی همچون ظهران ممدانی و عبدالرحمن السید در جناح دموکرات، بی‌تردید ارتباط مستقیم با الزجار افکار عمومی جهان غرب نسبت به سیاست‌های تهاجمی رژیم در منطقه دارد.

۵- **«روز بعد» کابوسی که جنگ به تعویق انداخته**
برآیند تحولات حاکم بر سرزمین اشغالی نشان می‌دهد مهم‌ترین مساله پیش روی نتانیاهو نه ادامه جنگ، بلکه لحظه پایان آن است، زیرا پایان جنگ، آغاز حسابرسی است؛ زمانی که جامعه صهیونیست خواهد پرسید اگر هدف نابودی حماس بود، چرا این پرونده همچنان باز است؟ اگر هدف تغییر معادله لبنان بود، چرا حزب‌الله همچنان یک مساله امنیتی باقی مانده؟

اگر هدف مهار ایران بود، چرا تهران همچنان مؤلفه‌های اصلی قدرت خود را حفظ کرده؟

آیت‌الله شهید «سیدحسن نصرالله» فوریه ۲۰۲۴ طوفان‌الاقصی را زلزله‌ای توصیف کرد که آثار آن با گذشت زمان به‌ویژه پس از توقف جنگ آشکار خواهد شد. امروز شاید مهم‌ترین نشانه برای سنجش این تحلیل، نه صرفاً بیانات رهبران مقاومت، بلکه ادبیات خود مقامات رژیم است؛ جایی که نخست‌وزیر رژیم، پایان جنگ و تغییر سیاسی را با «آغاز پایان اسرائیل» پیوند می‌زند.

از این منظر، بحران اصلی رژیم دیگر فقط دشمنان پیرامونی نیست، بلکه تناقضی است که درون راهبرد امنیتی آن شکل گرفته: رژیمی که برای بازسازی امنیت خود به جنگ متوسل شد، اکنون برای حفظ همان احساس امنیت، به تداوم جنگ نیاز دارد.

حسابرسی سیاسی از دوران پساهفتم اکتبر باشد، رژیم صهیونی در ۳ سال گذشته جنگ‌های متعددی را به کشورهای پیرامون تحمیل کرده اما همچنان نتوانسته به پرسشی که طوفان‌الاقصی و نبردهای پس از آن پیش روی تل‌آویو گذاشت، پاسخ دهد: چگونه می‌توان امنیت پایدار ایجاد کرد، وقتی امنیت به جنگ دائم وابسته شده است؟! همین تناقض، شاید مهم‌ترین میراث راهبردی طوفان‌الاقصی برای صهیونیست‌ها باشد؛ بحرانی که جنگ نتوانسته ظهور کامل آن را به تعویق بیندازد اما هنوز نتوانسته آن را از میان بردارد. سیدالشهیدای مقاومت لبنان به‌درستی چندی پس از وقوع طوفان‌الاقصی فرمود: «در طوفان‌الاقصی، پایه‌ها، ستون‌ها و تکیه‌گاه‌هایی که این موجودیت بر آنها بنا شده است، فاسد شد. این لرزش و تکان، اثرات فاجعه‌بار، مهم و خطرناکی برجا خواهد گذاشت. نه دولت دشمن و نه احزاب سیاسی در این موجودیت قادر به ترمیم اثرات این زلزله‌ها و تکان‌هایی که این موجودیت در معرض آن قرار گرفته، نخواهند بود. من گفتم این زلزله ظاهر خواهد شد و اکنون شروع به ظاهر شدن کرده اما با گذشت زمان، به‌ویژه هنگامی که جنگ متوقف شود، این نتایج برای همه به وضوح آشکار خواهد شد.»